**بسم الله الرحمن الرحیم**

**تخالف الحجج**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه نود و پنجم\_ 18 فروردین 1400**

**[ادامۀ بحث در مرجح اول]**

مرجح اول در باب تزاحم، مورد بحث بود و آن ترجیح "**ما لیس له بدل**" بر "**ما له بدل**" هست، عرض کردیم بدل گاهی بدل طولی است، مثل تیمم بالنسبة به وضو، گاهی بدل عرضی است، مثل کفارات.

در مورد بدل طولی نظر عده­ایی این است که نماز با وضو را ترک کنیم و نماز با تیمم بخوانیم و آن آب اندک را، در طهارت از خبث استفاده کنیم، با توضیحی که بعدا هم خواهد آمد.

**[دو قسم بدل عرضی]**

اما بدل عرضی دو قسم دارد، یکی آنجا که امر من دائر شود بین یک واجب موسع و یک واجب مضیق، مثل این­که اول وقت ببینم دیوار مسجد، نجس شده که ازالۀ نجاست واجب است، مضیق هم هست، بالفور باید انجام شود، از آن طرف وقت نماز هم هست، اول وقت نماز است، این­جا واجب ما موسع است، امر من دایر شد بین یک واجب موسع و یک واجب مضیق. واجب موسع بدل عرضی دارد، تا وقتی، وقت نماز باقی است، نماز خواندن، بدل عرضی نماز اول وقت است.

دیگری دوران امر بین وجوب تعیینی با یکی از افراد واجب تخییری. همین الآن عرض کردم، دیروز هم اشاره شد، واجب تخییری بدل دارد، کفارات یا عتق رقبه، یا اطعام ستین مسکینا یا روزۀ 60 روز، حال من کمی طعام دارم، که امرم دائر است بین این که این مقدار طعام را به واجب النفقۀ خود تعیینا بدهم یا این مقدار طعام را به عنوان کفاره به حساب بیاورم. امر من دائر می­شود بین یک وجوب تخییری که کفارات باشد و یک وجوب تعیینی که انفاق بر واجب النفقة باشد. انفاق بر واجب النفقة واجب است تعییناً لا بدلَ له، اما اطعام مسکین واجب است تخییراً چون له بدلٌ و آن عتق است یا روزه.

**[دیدگاه اصولین در وجه فارق دو قسم بدل عرضی]**

فرق بین این دو قسم از بدل عرضی، از دو دیدگاه قابل بررسی است:

1. دیدگاه و جهت اول این که در آن قسم اول تخییر عقلی است و در این قسم اخیر تخییر شرعی است. معنای تخییر عقلی این است که ما واجبی داشته باشیم که واجب آن جامع حقیقی است حال در این زمان 5 دقیقۀ بعد یا در این مکان یا یک متر آن طرف­تر و این طرف­تر مشکلی ندارد. من نماز برم واجب است، حال این قسمت از اتاق نماز بخوانم یا 1 متر آن طرف­تر، بی نهایت نماز از جهت مکان می­شود خوانده شود. من در اینجا مخیر هستم هر کجا که خواستم نماز بخوانم. این از حیث مکان. از حیث زمان هم به من گفته شده است این وقت نماز صبح است، از این وقت تا این وقت، در این وقت نماز صبح، بی نهایت می شود نماز خواند. من مخیرم بین این همه مصداق برای نماز صبح. بله نماز اول وقت افضل است ولی بقیه مجزی است. به این مورد تخییر عقلی می­گویند اگر چه صورت مسأله که نماز باشد شرعی است ولی وقتی حدش بیان شد که از این زمان تا این زمان است، دیگر عقل مخیر است.

در آنجایی که امر من دائر است بین واجب موسع و مضیق. واجب موسع من نماز است، وجوب نماز در این زمان یا این زمان دست خود من است. تخییر عقلی دارم، عقل در مرحلۀ امتثال یحکم بالتخییر، اما در قسم دوم که دوران امر بین واجب تعیینی و احدُ فردی الواجب التخییری باشد، تخییر شرعی است، این که کفارات یکی از این سه هست، تخییر من شرعی است. به عبارت ساده­تر، در بدل عرضی ما باید تخییر را ملاحظه کنیم، حال اما تخییر عقلی، و اما تخییر شرعی.

پس فرق بین این دو قسم این که در اولی تخییر عقلی است و در این شرعی است. این جهت و نگاه اول به این دو.

1. جهت و نگاه دوم این که در قسم اول آن­چه که تکلیف شده است، جامع حقیقی است، و العقل مخیرٌ فی تطبیقه علی احد الافراد، آنچه بر من واجب است، نماز است، جامع بین همه نمازهایی که از اول اذان ظهر تا پایان وقت ظهر می توان خواند که عرض شد، بی­نهایت است و العقل مخیرٌ که یکی را انتخاب کند. آنچه در قسم اول مجعول است، متعلق تکلیف است، نماز در اول وقت نماز نیست، بالخصوص، بلکه جامع حقیقی متعلق امر است. این مال قسم اول.

اما در قسم دوم اختلاف است بین العلماء که مجعول در تخییر شرعی چیست؟ این که یکی از کفارات را بدهی کافی است و لزومی به پرداخت بقیه نیست، چه نحوه جعلی است و مجعول چیست؟ نظریۀ اول این است که مجعول جامع انتزاعی است. عنوان احد است. احد از این سه کفاره. در محل خودش این مورد بحث است که درست است یا نه.

نظر دوم این که مجعول روزه است اگر اطعام و عتق ترک شود، مجعول عتق است اگر روزه و اطعام ترک شود و قس علی هذا. این هم یک مبنا است.

1. مبنای سوم این که سنخ وجوب در واجب تخییری با سنخ وجوب در واجب تعیینی متفاوت است، واجب تعیینی مشوب با جواز ترک نیست. می­گوید نفقه بده، حق ترک نفقه را نداری، این­که می­توانی نفقه ندهی، به جای نفقه مثلا نماز بخوانی این معنا ندارد، چون نماز بدل نفقه نیست، نفقه بدل ندارد، پس جائز الترک الی البدل نیست. اما نحوۀ وجوب تخییری به نحوه­ایی است که مشوب به جواز الترک الی البدل، سنخ این دو وجوب با یکدیگر اختلاف دارند. این­که تخییر شرعی کدام است و کدام یک از این سه مبنا درست است، محل بحثش این­جا نیست.

آنچه لازم بود ان جا اشاره شود و فردا خواهید دید که در بحث ما نتیجه و ثمره هم دارد، این است که مجعول در قسم اول سخن از واجب تخییری عقل به میان می آید، مجعول جامع حقیقی بین همۀ نمازها در حدین است. اما در مورد مجعول در قسم دوم، که واجب تخییری شرعی بود، اختلافی بود، که مجعول چیست؟ سه مبنا را مطرح کردیم.

به هر حال گفته اند مطلقا "**ما لیس بدل**" بر "**ما له البدل**" مقدم است. چه در بدل طولی و چه در بدل عرضی. و در بدل عرضی هم چه در قسم اول بدل عرضی که واجب تخییری عقلی بود، چه در بخش دوم بدل عرضی که واجب تخییری شرعی بود. همۀ این ها "ما لیس له بدل" بر "ما له بدل" مقدم است، در نماز اول وقت با ازاله، چون ازاله بدل ندارد، اهم است. در مورد انفاق بر واجب النفقه و یا احد خصال الکفارة انفاق، چون بدل ندارد، مقدم است، در مثال اول باید ازاله کند نه نماز. در مثال دوم آن مال را باید انفاق کند، این توضیح ترجیح اول، مرجح اول.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین .